

چرا اصولگرایان به دنبال بازتولید انتخابات نیابتی هستند؟

فصل رویارویی با حقیقت

داود حشمتی؛ استراتژی تدوین‌شده برخی‌ها در یک دهه گذشته، «بی‌اعتبارکردن» و «قدرت‌طلب‌خواندن» اصلاح‌طلبان بود. حالا همان‌ها با یک مشکل بزرگ روبه‌رو شده‌اند. مشکلی که برای حل آن ناگزیر زبان به تهدید گشودند یا نگران از این هستند که با تغییرات در ساختار جبهه اصلاحات، این جبهه عدم مشارکت در انتخابات را انتخاب کند. سؤال این است: «آیا مردم حاضر هستند به خاطر مقابله با پایداری (راست رادیکال) به اعتدال‌گرایی یا راست نو (لاریجانی) رای دهند». این وضعیت نتیجه سیاست مجموعه جریان راست است، نه انتخاب خود مردم. جریان راست تصور می‌کردند با حذف اصلاح‌طلبان از صحنه سیاست (و نه فقط از عرصه قدرت) مردم به سمت آنها حرکت می‌کنند؛ خیال خامی که نتیجه آن را سال‌های قبل و سال گذشته دیدند اما نمی‌دانیم درس عبرت گرفتند یا نه. به تیرهای رسانه‌ها (به‌ویژه رسانه‌های قالیباف) اگر این روزها نگاه کنید، بعد از تغییر در جبهه اصلاحات مرتب «ا قدرت‌گرفتن رادیکال‌ها در جبهه اصلاحات» حرف می‌زنند. از نگاه آنها بهراد نبوی کسی است که نگاهش به انتخابات «مشارکت‌جوست» و در طرف دیگر آن‌دز منصوری و حزب

اتحاد ملت مخالف انتخابات هستند. در نادرستی این نگاه بسیار می‌توان گفت و نوشت. با این حال این دسته تا دیروز از حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات ناراحت بودند و به‌صراحت به اصلاح‌طلبان می‌گفتند: «شما که بعد از انتخابات مدام می‌گویید «اجازه کار به ما نمی‌دهند» چرا در انتخابات شرکت می‌کنید؟» اما امروز نگران غیبت آنها در انتخابات شده‌اند. از همین رو باهنر زبان به تهدید بازی می‌کنند که در صورت عدم شرکت آنها در انتخابات «باید پاسخگو باشند».

تغییراتی که متوجه نشدند

آنها هنوز تأثیر رفتاری را که خود در جامعه گذاشتند، ندیده‌اند و متوجه آن نشده‌اند. مدام این گزاره را تکرار کردند که «مردم از اصلاح‌طلبان ناامید شده‌اند». بله، مردم از اصلاح‌طلبان ناامید شده‌اند چون انتظار داشتند اصلاح‌طلبان وقتی وارد نهادهای قدرت می‌شوند، از این فرصت در جهت شفاف‌سازی و پاسخ‌گوکردن جریان‌های سیاسی استفاده کنند. مردم انتظار داشتند دولت اعتدال‌گرای حسن روحانی نتایج تحقیق و تفحص خودش از پرونده عیسی شریفی را منتشر کند. مردم از اصلاح‌طلبان که به آنها رای داده بودند، انتظار

داشتند اجازه داده نشود ۴۰ جلسه دادگاه عیسی شریفی پشت درهای بسته برگزار شود و ملت به عنوان صاحبان اصلی این کشور نامحرم تلقی شوند. مردم انتظار داشتند مجلس نتایج تحقیق و تفحص از بنیاد شهید را که سال‌هاست خاک می‌خورد، منتشر کند. مردم انتظار داشتند به‌جای افشاگرایی درباره حساب‌های قوه قضائیه، درمورد آن تحقیق و تفحص شود. اصولگرایان مدام تکرار کردند که «مردم از اصلاحات ناامید شده‌اند» اما نفهمیدند با ناامیدی از اصلاحات مردم فوج‌فوج به سمت اصولگرایی حرکت نمی‌کنند بلکه پشتوانه‌های مردمی سیستم اجرایی را کاهش می‌دهند. امروز

زبان تحلیل و تهدید

حالا اصولگرایان به زبان تحلیل و تهدید به دنبال این هستند که یک بار دیگر اصلاح‌طلبان سیاست «کاندیدی نیابتی» را تکرار کنند اما این اتفاق چقدر ممکن است تحقق پیدا کند؟ آیا متوجه شده‌اند که مردم حاضر نیستند به‌خاطر اینکه رسایی و کوچک‌زاده وارد مجلس نشوند، به هر فرد ناشناسی رای دهند و آن را روی صندلی مجلس بنشانند؟ این را مردم در انتخابات سال ۹۸ نشان دادند. نه با تهدید و نه با تحلیل‌های مختلف، نمی‌توان مردم را راضی کرد بار دیگر در مقابل راست رادیکال بایستند. هنوز درنیافته‌اند که از سال ۹۸ و آن زمانی که سیاست مشارکت حداکثری در انتخابات با چالش مواجه شد، برای مردم فرقی نمی‌کند لاریجانی در مجلس باشد یا مجتبی آقائهرانی. برای مردم فرقی نمی‌کند قالیباف

در مجلس باشد یا صادق محصولی و رسایی. اتفاقا حتی معتقدند این افراد چهره واقعی جریان راست را بهتر و بیشتر نمایان می‌کنند. می‌شود درباره اینکه این نگاه مردم اشکالات اساسی دارد، بحث کرد اما نکته اینجاست که خوب یا بد، این جامعه نتیجه و دستپخت اصولگرایان است و امروز راه گریزی ندارند. امروز مطرودبودن افراد از سوی جریان راست رادیکال برای مردم دیگر جذابیتی ندارد. واقعیت این است که آنچه باید تغییر کند تا مردم حاضر به مشارکت در انتخابات شوند، نه برساخته‌شدن دوگانه‌های «بد و بدتر» بلکه دادن این احساس به مردم است که با خواست و اراده آنها سیاست‌ها تغییر می‌کند. اینکه مردم احساس کنند با خواست آنها سیاستی تغییر می‌کند، امید را به صندوق رای بازمی‌گرداند. دلیل اینکه مشارکت در انتخابات ۹۴ (مجلس دهم) بیشتر از انتخابات سال ۹۲ (انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم) بود، احساس تغییر سیاست‌ها با خواست و اراده مردم بود. مردمی که احساس کردند با رأیشان در سال ۹۲ توانستند مقدمات برجام را مهیا کنند، تورم را مهار و رونق را به کشور بازگردانند. همان مردم احساس کردند رأیشان مؤثر است، برای همین مشارکت در ۹۴ و بیشتر رای حسن روحانی در سال ۹۶ بیشتر از سال ۹۲ بود؛ ازاین‌رو راه‌حل، بازگرداندن اطمینان و اعتقاد به مردم است که احساس کنند در تعیین سرنوشت خود دخیل هستند و با نگاه آنها سیاست‌ها تغییر می‌کند؛ در غیر این صورت نباید انتظار داشت بار دیگر مردم به دلیل دوری جستن از پایداری‌ها به لاریجانی‌ها رای بدهند.

چرا حکم انتصاب رئیس سازمان اداری واستخدامی کشور باطل شد؟

دفاع رئیس دیوان از ابطال حکم میثم لطیفی

مظفری: پس از صدور رأی ابطال حکم، دادنامه در اختیار روزنامه رسمی قرار گرفت



ماده ۹۱ قانون دیوان عدالت اداری چه می‌گوید؟

ماده ۹۱ قانون دیوان عدالت اداری اصلاحی ۱۴۰۲/۰۲/۱۰ می‌گوید: «چنانچه رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان با بیست

نفر از اعضای هیئت عمومی، هر یک از آرای هیئت عمومی یا آرای قطعی هیئت‌های تخصصی را اشتباه یا مغایر قانون تشخیص دهند، رئیس دیوان موضوع را جهت رسیدگی مجدد به هیئت عمومی ارجاع می‌دهد. درصورتی‌که هیئت عمومی رای صادره را اشتباه یا مغایر قانون تشخیص دهد، نسبت به نقض آن و صدور رای صحیح اقدام می‌کند». حالا دولت منتظر

است که رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با ۲۰ نفر از قضات آن یا رئیس قوه قضائیه، این رای را نادرست اعلام کنند. اما می‌توان گفت اعلام اشتباه از سوی رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری یا ۲۰ نفر از قضات این هیئت اگرچه

غیرممکن نیست، ولی با توجه به اینکه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به‌تازگی این رای را با حضور و امضای حکمتعلی مظفری، رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، صادر کرده است، قدری دور از ذهن به نظر می‌رسد و شاید دولت انتظار

دارد رئیس قوه قضائیه به پرونده ورود کند و با اعلام اشتباه‌بودن رای از سوی او، این پرونده مجدداً در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری رسیدگی شود و در آن صورت باید دید آیا هیئت عمومی از رای اخیر خود عدول خواهد کرد یا خیر. بااین‌حال، با

توجه به دفاع قاطع رئیس دیوان از حکم ابطال، شانس رئیسی برای موفقیت در تغییر حکم کم است.

است. حجت‌الاسلام مظفری تأکید کرد: دیوان عدالت اداری بعد از صدور رأی ابطال حکم آقای لطیفی، طبق روال موجود، دادنامه را در اختیار روزنامه رسمی قرار داد.

شفاف‌سازی دیوان عدالت اداری

حجت‌الاسلام‌والمسلمین مظفری اظهار کرد: صرف‌نظر از موارد مذکور که در مقام تبیین مقررات حاکم بر رسیدگی در جلسات هیئت تخصصی و هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و تأکید بر رعایت مقررات مزبور در جریان رسیدگی به پرونده منتهی به ابطال ابلاغیه معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور ارائه شد، درباره ماهیت موضوع نیز با وجود اینکه همه ابعاد حقوقی مرتبط با شکایات فوق در گردش کار رای صادره از سوی هیئت عمومی تبیین شده، با توجه به اهمیت موضوع و انعکاس رسانه‌ای گسترده آن توضیحات زیر برای تبیین دقیق‌تر ارائه می‌شود. او افزود: شکایتی که به خواسته ابطال ابلاغیه انتصاب آقای میثم لطیفی در دیوان عدالت اداری مطرح شد، به طورکلی بر این مبنا استوار بود که ابلاغیه مزبور با ماده ۴۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مغایرت دارد و شای‌که در مقام تبیین علت این مغایرت هم اعلام کرده بود که براساس ماده ۴۷ قانون مدیریت خدمات کشوری برای تأیین دقیق‌تر ارائه شرکت‌ها و مؤسسات غیردولتی برای انجام تمام یا بخشی از وظایف و اختیارات پست‌های سازمانی دستگاه‌های اجرایی تحت هر عنوان ممنوع است و چون آقای لطیفی به‌عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) که دانشگاهی غیردولتی است، نمی‌توانسته است متصدی پست سازمانی و مالا عهددار ریاست سازمان اداری و استخدامی کشور شود؛ بنابراین ابطال ابلاغیه او از دیوان عدالت اداری تقاضا می‌شود.

رئیس دیوان عدالت اداری گفت: در پاسخ به این شکایت، معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری اعلام کرد که براساس اصل دسودبست‌وششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهوری مستقیم امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً برعهده دارد و می‌تواند اداره آن را برعهده دیگری بگذارد و با توجه به این حکم قانونی، در زمینه واگذاری این مسئولیت امور اداری و استخدامی به فرد دیگر یا محدودیت حقوقی مواجه نیست و بر مبنای ماده ۷۱ قانون مدیریت خدمات کشوری نیز معاونان رئیس‌جمهوری به‌عنوان مدیران سیاسی معرفی شده و از شمول حکم مقرر

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری رای به ابطال حکم میثم لطیفی، رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور داده است، حکمی که برای رئیس دولت خوشایند نبوده و خواستار تجدیدنظرخواهی در این حکم است. دیروز محمد دهقان، معاون حقوقی رئیس‌جمهوری، با انتشار مطلبی درباره این حکم نوشت: «با تشریح برخی اشکالات وارده به رای صادره، از رئیس محترم قوه قضائیه و رئیس محترم دیوان عدالت اداری، اعمال ماده ۹۱ دیوان مبنی بر تجدیدنظر در رای را درخواست کرده‌ایم». اینکه رئیسی به دنبال حفظ معاون خود باشد، امری طبیعی است؛ اما مقاومت در برابر حکمی قانونی از قاضی القضاات سابق که با چندوچون قوانین به‌خوبی آشناست و انتظار می‌رفت از ابتدا حکمی غیرقانونی صادر نکند، پذیرفتنی نیست. با شروع به کار رئیسی در ۱۴۰۰ میثم لطیفی از اولین انتخاب‌های رئیس دولت سیزدهم بود؛ آن‌هم برای سازمان اداری و استخدامی کشور که قرار است استخدام‌ها را سروسامان دهد؛ اما خودش با ایرادات اساسی مواجه بود. حال بعد از دو سال با ورود دیوان عدالت اداری و ابطال حکم لطیفی، بیش از گذشته بر ضرورت اصلاح این انتخاب اشباه تأکید داشت. هرچند فعلاً واکنش دولت حمایت از این شخص است، به‌طوری‌که سخنگوی دولت با انتقاد از ابطال حکم رئیس سازمان اداری و استخدامی در دفاع از همکار خود در دولت گفته است: «قانون و رویه حقوقی بهره‌گیری از ظرفیت استادان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های آزاد و غیردولتی در مناصب اجرایی را مجاز دانسته و رویه همیشگی دستگاه‌های مختلف اجرایی، تقنینی و قضائی بوده است. دولت اقدامات حقوقی لازم را از طریق معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری برای اعتراض به رای اخیر دیوان عدالت اداری و اصلاح آن انجام داده است و منتظر بررسی نهایی از سوی قوه قضائیه هستیم». اینکه استدلال دولت در دفاع از اعضای خود، چیست، برای افکار عمومی پوشیده نیست؛ زیرا دو سال است بر آن پافشاری کرده؛ اما حکم دیوان به‌عنوان مرجع تصمیم‌گیری مخالف با این دیدگاه است. ازاین‌رو رئیس دیوان عدالت اداری خود به تشریح جزئیات این رای پرداخته است. رئیس دیوان عدالت اداری صراحتاً گفته است: انتصاب رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور برخلاف مفاد ماده ۴۷ قانون مدیریت خدمات کشوری است و ۶۵ درصد از اعضای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری معتقد به ابطال حکم انتصاب رئیس سازمان اداری و استخدامی بودند. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، رئیس دیوان عدالت اداری در تشریح روند ابطال حکم انتصاب میثم لطیفی، رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور، گفت: به دنبال طرح شکایتی به خواسته ابطال ابلاغیه شماره ۶۱۲۹۷ مورخ ۱۵ تیرماه سال ۱۴۰۰ صادره از سوی رئیس‌جمهوری مبتنی بر انتصاب آقای میثم لطیفی به‌عنوان معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور که در قالب پرونده کلاسه ۱۰۰۲۵۷ در دیوان عدالت اداری مطرح شد، موضوع در اجرای ماده ۸۴ قانون دیوان عدالت اداری ابتدا برای رسیدگی به هیئت تخصصی استخدامی دیوان عدالت اداری که مرکب از ۱۵ نفر از قضات شاغل در حوزه استخدامی است، ارجاع شد. دیوان در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ تبادل لایوح را انجام داد. دولت نیز در یکم تیر ماه ۱۴۰۱ پاسخ خود را به دیوان ارائه داد و بلافاصله پرونده به هیئت تخصصی اداری و استخدامی دیوان عدالت اداری ارجاع شد. رئیس دیوان عدالت اداری ادامه داد: در این فاصله، با نظر بنده دو کارگروه با هدف مشاوره‌دادن به هیئت تخصصی ایجاد شدند و نهایتاً در تاریخ ۹ بهمن ۱۴۰۱ نظر هیئت تخصصی بر این شد که این موضوع، چون موردی است، خارج از شمول ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری و غیرقابل طرح در هیئت عمومی است و باید در شعب دیوان مورد رسیدگی قرار گیرد. او افزود: طبعاً چون هیئت تخصصی اداری و استخدامی دیوان عدالت اداری نمی‌توانست در این زمینه تصمیم‌گیرنده باشد، موضوع در روز ۱۶ اسفند ۱۴۰۱ در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح شد و موافقان و مخالفان به‌صورت مفصل نظرات خود درباره قابل طرح بودن یا نبودن این موضوع در هیئت عمومی دیوان را ارائه دادند.

اخذپاسخ از معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری

او افزود: پس از اخذ پاسخ از معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری و تهیه گزارش از سوی قاضی میز پرونده،

خبر

۲جنگنده آمریکایی برای فرار نفتکش به پرواز در آمدند

ماجرای توقیف یک نفتکش خارجی

فرمانده منطقه دوم نیروی دریایی سپاه پاسداران از توقیف نفتکش خارجی حامل یک میلیون لیتر سوخت قاجاق در خلیج فارس توسط رزمندگان نیروی دریایی سپاه خبر داد. به گزارش تسنیم، سردار رمضان زیرهای ظهر دیروز در جمع خبرنگاران در بوشهر از انهدام باند سوخت قاجاق در خلیج فارس خبر داد و اظهار کرد: شناور خارجی حامل بیش از یک میلیون لیتر سوخت قاجاق در مرز دریایی خلیج فارس با هوشیاری و اقتدار نیروی دریایی سپاه توقیف شد. وی با بیان اینکه این کشتی از پشتیبانی نظامی آمریکا برخوردار بود، اضافه کرد: با هوشیاری، دقت عمل، رفتار حرفه‌ای و اقتدار رزمندگان نیروی دریایی سپاه، اقدامات غیرقانونی و غیرحرفه‌ای آمریکایی‌ها در خلیج فارس با شکست مواجه و مایه سرافکندگی آنها شده است.
دریادار دوم زیرهای با تشریح توقیف کشتی حامل سوخت قاجاق در مرز دریایی خلیج فارس خاطرنشان کرد: ۱۵ زیرهه رزمندگان منطقه دوم نیروی دریایی سپاه درحال بازرسی یک فرود شناور با نام تجاری NADA2 که به صورت سازمان‌یافته مبادرت به نقایف‌گاز جمهوری اسلامی در خلیج فارس می‌کرد، بودند که آمریکایی‌ها برای ممانعت از این اقدام قانونی، یک‌سری تحرکات غیرحرفه‌ای و مخاطره‌آمیز انجام دادند. وی با بیان اینکه رزمندگان منطقه دوم نیروی دریایی سپاه در زمان بازرسی و توقیف متوجه می‌شوند که کاپیتان شناور متخلف با مرکز کنترل و فرماندهی آمریکایی‌ها در منطقه در حال مکالمه برای فرار است، گفت: در مکالمه‌های ضبط‌شده، مأمور مرکز کنترل و فرماندهی آمریکایی به کاپیتان کشتی می‌گوید «موتور شناور را خاموش کنید تا نیروهای نظامی آمریکایی برای کمک برسند». فرمانده منطقه دوم دریایی سپاه ادامه داد: آمریکایی‌ها برای این منظور مبادرت به پرواز دو فروند جنگنده A10، یک فروند هواپیمای با سرنشین شناسایی P8، دو فروند بالگرد SEA hawk، یک فروند هواپیمای بدون سرنشین MQ9 و اعزام شناورهای کشتی آمریکایی به محل توقیف کردند و تا آخرین لحظه هم تلاش کردند مانع توقیف شناور متخلف شوند؛ اما رزمندگان منطقه دوم دریایی سپاه با تسلط، هوشیاری، رفتار حرفه‌ای و اختار قاطع به تمام پرنده‌های با سرنشین و بدون سرنشین و شناورهای آنها، با اقتدار شناور متخلف توقیف‌شده را تا لنگرگاه بندر بوشهر برای سیر مراحل قانونی هدایت کردند. او اقدام آمریکایی‌ها در تلاش برای فراری دادن شناورهای متخلف قاجاق سوخت در خلیج فارس را سابقه‌دار عنوان کرد و افزود: آمریکایی‌ها در موارد متعددی از طریق نیروهای نظامی خود در خلیج فارس به حمایت شناور و نفتکش‌های قاجاق سوخت و متخلف پرداخته‌اند و با پرواز جنگنده و اعزام شناور کشتی برای فر آن شناورها اقدام کرده‌اند؛ اما همواره با هوشیاری، دقت عمل و اقتدار رزمندگان نیروی دریایی سپاه مواجه شده‌اند و تمام آن اقدامات مایه ذلت و سرافکندگی آنها شده است. دریادار دوم زیرهای اضافه کرد: نقطه اوج حمایت آمریکایی‌ها از نفتکش‌های قاجاق سوخت و متخلف، آبان سال ۱۴۰۰ بود که در آن عملیات پیچیده در دریای عمان، آمریکایی‌ها با پنج ناوچه نظامی و چندین جنگنده، بالگرد و هواپیمای با سرنشین و بدون سرنشین با سرافکندگی مجبور به ترک منطقه شدند.

ادامه از صفحه اول

طرح جوانی جمعیت، کارآمد یا بی‌حاصل؟

بالارفتن سن ازدواج و پیش‌بینی تداوم آن در سال‌های آتی، اکنون به یکی از چالش‌های جدی برنامه‌ریزان جمعیتی مبدل شده است؛ به‌طوری‌که از آغاز سال ۱۳۹۸ که سیاست تشویق مولودید ارائه شد، بحث‌های زیادی درباره افزایش یا کاهش جمعیت مطرح شد و برای افزایش میزان باروری کل به رقمی بالاتر از سطح جانشینی یعنی ۲٫۲ فرزند در برنامه ششم توسعه هدف‌گذاری شده است. همچنین در بند اول سیاست‌های کلی جمعیت که ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳ ابلاغ شد، بر افزایش میزان باروری به سطح بالاتر از سطح جانشینی تأکید شده است. کارشناسان اقتصادی و اجتماعی، تحقق این طرح‌ها و سیاست‌های جمعیتی را دشوار می‌دانند؛ چون روند کاهش باروری در سال‌های اخیر فقط حاصل کارآمدی سیاست‌های کنترل مولود یا ناکارآمدی طرح‌های جوانی جمعیت نبود بلکه تابع مجموعه‌ای از متغیرهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نمانند شیفتن شهرنشینی و صنعتی‌شدن، ساختار سنی جمعیت، تحصیلات بالاتر از حد متوسط و درآمد بیشتر از حد متوسط به‌ویژه در میان زنان، دگرگونی ارزش‌های خانواده به‌ویژه در زوج‌های جوان، تغییر الگوهای رفتاری ازدواج و زناشویی، کاهش میزان فرزندآوری، بالارفتن سن ازدواج، تأخیر بارداری در زنان با تحصیلات بالا، افزایش طلاق و مهاجرت، بحران هویت و طغیان فشارهای روانی به‌ویژه افسردگی و ناامیدی، اشاعه استرس‌های روحی و فقدان نشاط اجتماعی، افزایش مستمر تورم و هزینه‌های زندگی و البته شرایط نامناسب اقتصادی به‌ویژه گرانی مسکن، بی‌کاری و نبود اشتغال پایدار، از عوامل مؤثر بر کاهش نرخ جمعیت بوده است. جمعیت و رشد آن پدیده‌ای اجتماعی است و مانند سایر موضوعات اجتماعی تحت تأثیر عوامل پیچیده و متعددی قرار می‌گیرد. بعید است بدون رفع این موانع و چالش‌ها، سیاست‌ها و طرح‌های جوانی جمعیت که اکنون در دستور کار دولت قرار دارد، به نتیجه برسد. در سال‌های اخیر که ستاد ملی جمعیت تشکیل ر روز (۳۰ اردیبهشت) و هفته ملی جمعیت نام‌گذاری شد، نهادهای ذی‌ربط به‌ویژه وزارت بهداشت، به اشکال مختلف ازجمله با اجرای طرح‌های گوناگون اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی در تکیاوی افزایش نرخ باروری هستند. بیشتر این تبلیغات بر چالش‌هایی مانند آسیب‌های تک‌فرزندی، سالاخوردگی جمعیت، سسقف و قتل جنین و… متمرکزشده و بر جوانی جمعیت و ضرورت مشارکت هر یک از نهادهای به‌ویژه رسانه‌ها، دستگاه‌های دولتی و خصوصی، نخبگان و گروه‌های مردم‌نهاد در ترغیب و حمایت جوانان برای تشکیل خانواده با حداقل چهار فرزند متمرکز شده‌اند. علاوه بر این، دولت در این سال‌ها برای جوانی جمعیت، بسته‌های گوناگون حمایتی در قالب‌های مختلف شامل ارائه تسهیلات بانکی، وام ازدواج و مسکن، زمین، خودرو، اشتغال، کسری خدمت سربازری و… را نیز در نظر گرفته است. با توجه به آغاز موج دوم رشد جمعیت و وقوع پدیده گشتاوری جمعیت و پیش‌بینی تداوم روند آن تا حداقل سه دهه آینده، برآورد می‌شود نرخ رشد جمعیت ایران تا دهه ۱۴۲۰ خورشیدی صفر نخواهد شد. بر این اساس، جمعیت ایران در سال ۱۴۳۰ به ۱۰۱ میلیون نفر می‌رسد. کارشناسان بر این باورند که این موج افزایش جمعیت، سبب افزایش نرخ باروری کل و رسیدن به سطح جانشینی این نرخ شود. از سوی دیگر با توجه به توزیع نامناسب امکانات اجتماعی و اقتصادی و به تبع آن توزیع نامناسب جمعیت، چنانچه رشد جمعیت بدون سربازری و برپاسخت‌های اجتماعی و اقتصادی باشد، افزایش حجم و تعداد جمعیت در نقاط جاذب جمعیت (تهران و چند کلان‌شهر دیگر) تبدیل به گره‌های کوری خواهد شد که گشودن آن کاری بس دشوار و شاید غیرممکن باشد. از این‌رو در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، رفاهی و سیاسی، علاوه بر بُعد کیفی جمعیت، پنجره جمعیتی فرصت‌ها نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. این پنجره که شائکر حدود ۷۰ درصد جمعیت کشور در سنین فعالیتی اقتصادی (۱۵ تا ۶۴ساله) است، نتیجه کاهش سطح باروری و فرصتی طلایی برای رشد و توسعه اقتصادی کشور است. با این وجود، جمعیت ایران اکنون با چالش‌های متعددی چون عدم اجرای طرح آمایش سرزمین، تمرکزگرایی و تراکم جمعیت و فعالیت‌ها در مناطق برخوردار، عدم تعادل در افزایش جمعیت و پراکنش آن در پهنه سرزمین، بی‌توجهی به حفظ و نگهداشت جمعیت و برقراری تعادل در الگوی استقرار جمعیت، عدم ایجاد تعادل نسبی در توزیع و ترکیب جمعیت متناسب با منابع و توان محیطی و ظرفیت تحمل زیست‌بوم‌ها، عدم ساماندهی و هدایت هدفمند جریان مهاجرت‌ها، تقلیل سهم فعالیت‌های صنعتی، معدنی و گردشگری برای جذب و نگهداشت جمعیت در مناطق محروم، نرخ پایین امنیت شغلی و بالای بی‌کاری، سهم پایین اشتغال زنان (حدود ۱۲ درصد)، عدم تقاطع و توزیع عادلانه درآمد، بالارفتن نرخ طلاق، بازتوزیع نامناسب و تراکم بی‌رویه جمعیت، نبود انسجام بین برنامه‌های توسعه‌ای با سیاست‌های جمعیتی و تنظیم خانواده، پایین‌بودن میانگین سن امید به زندگی و درآمد سرانه و تنش‌های زیست‌محیطی و اجتماعی مواجه است. مطالعات نشان می‌دهد با اتخاذ هر نوع سیاست جمعیتی، ایران از اواخر دهه ۱۴۰۰ ناگزیر رو به سالمندی رفته، در سال ۱۴۲۰ به مرحله سالمندی و در دهه پس از آن با سالاخوردگی جمعیت روبه‌رو خواهد شد. این روند سالمندی در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته سرعت بیشتری خواهد داشت؛ چون جمعیت ایران در دهه ۱۳۶۰ رشد بالایی داشت و اکنون فرصت چندانی برای مهار این دگرگونی سریع سنی نیست. به نظر می‌رسد برای سالمندی جمعیت نیز مانند جوانی جمعیت، تاکنون تدابیر خاصی اندیشیده نشده است. در این صورت از دهه ۱۴۳۰ چه کسی از سنل سالاخورده حمایت و برساری خواهد کرد؟ چه کسی باید به دولت مالیات پرداخت کند؟ چه کسی به کشاورزی و دامپروری می‌پردازد؟ چه کسی قرار است با اشتغال آفرینی، چرخ کند و سنگین تولیدکشور را به حرکت درآورد؟ برخی کارشناسان، نسبت پیر به کشور را از نصف جمعیت آن جوان و به‌تازگی وارد کار می‌شده سنگینی را نادرست می‌دانند. نرخ رشد جمعیت ایران هنوز با شیب ملایمی رو به مثبت است.